| نشریه هنر مدیریت سبز | THE ART OF GREEN MANAGEMENT JOURNAL |

| تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۳۰ | تاریخ داوری: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰ |

| شماره صفحه: ۴۳–۶۰ | DOI: 10.30480/AGM.2022.4039.1023 | نوع مقاله: پژوهشی |

مقایسه‌ای بر عوامل محتوایی موثر بر «حاشیه رانده شدن» زنان در فضاهای محله‌ای سنتی و غیرسنتی

A Comparison of Content Factors affecting the Marginalization of Women in Traditional and Non-traditional Neighborhood Spaces

آرزو رفیعی[1]

چکیده

بررسی نوع فعالیت استفاده‌کنندگان توامان تحت تاثیر کالبد و عوامل محتوایی است. ازآنجایی‌که الگوهای رفتاری زنان از مردان و نحوه ادارک آن‌ها از محیط متفاوت است، زنان نیازها و انتظارات متفاوتی از فضاها داشته و عدم توجه به این تفاوت‌ها نه تنها موجب کمرنگ‌تر شدن حضور آن‌ها در فضاهای شهری، بلکه منجر به تضییع حقوق شهروندی آن‌ها می‌شود. عوامل متعددی همچون ویژگی‌های فردی، میان‌فردی و فرافردی و تفاوت در باورها، اعتقادات و هنجارهای اجتماعی حاکم در جامعه بر حضور زنان در فضاها موثر هستند؛ پیش فرض اولیه‌ی این مقاله، تاثیرگذاری الگوهای اجتماعی-فرهنگی بر رفتار زنان در فضاهای شهری است. در واقع به‌نظر می‌رسد، عدم برنامه‌ریزی و طراحی برای رفع موانع ناشی از عوامل محتوایی در کنار عوامل کالبدی نیز می‌تواند منجر به حضور کم‌رنگ زنان و صرفاً بروز فعالیت اجباری آن‌ها در فضاهای محله‌ای شود. محلات سنتی و غیر سنتی، با دو الگوی متفاوت محله با هدف انجام یک پژوهش تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و از تکنیک پرسش‌گری استفاده شده است. به‌دلیل محدودیت‌های زمانی و مالی، ۱۶۰ نفر از زنان ساکن بالای ۲۰ سال در هر دو محله‌ی انتخابی مورد پرسش قرار گرفته‌اند و با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس. به تحلیل و بررسی داده‌های حاصله پرداخته است. که یافته‌ها حاکی از این است که هنجارهای اجتماعی، ترس از قضاوت‌های دیگران، باورها و اعتقادات، حضور مردان در فضاهای شهری در محله سنتی (خیابان امام‌زاده یحیی)، از عوامل موثر بر نحوه‌ی حضور و استفاده زنان از فضاها است؛ درحالی‌که در محله غیرسنتی (خیابان دستگردی در محله‌ی زرگنده) این موارد تأثیرگذار نبوده و خنثی هستند؛ به این معنی که زنان در محله‌ی سنتی بیشتر به حاشیه رانده شده‌اند.

کلید واژگان: فضاهای محله‌ای، رفتار و فعالیت، زنان، الگوهای اجتماعی- فرهنگی.

---

[1] **کارشناس‌ارشد طراحی شهری**، دانشکده‌ی معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران. پست الکترونیکی: Arezoo.rafiee25@gmail.com

۱- مقدمه

فضای شهری تنها دربرگیرنده فضای کالبدی، هندسی و عینی نیست، بلکه ماهیتی ذهنی نیز داشته و بنابراین ارزش‌های اجتماعی–فرهنگی را نیز شامل می‌شود. از همین‌رو است که تجربه‌ی تمامی افراد در استفاده از فضاهای عمومی شهری یکسان نیست. رفتار انسانی برآیندی از انگیزه‌ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی ناشی از ادراک دنیای خارج است که تحت تاثیر این موارد و برخی عوامل زمینه‌ای چون فرهنگ، فضا و زمان اشکال مختلفی را به خود می‌گیرد، بنابراین گروه‌های سنی، جنسی، اجتماعی، اقتصادی و اقلیت‌های قومی و نژادی در چگونگی درک از محیط و به تبع آن الگوهای رفتاری متفاوتی را دارند که عدم پاسخگویی فضاها به نیازها و خواسته‌های تمامی افراد، چه از دید کالبدی و چه روانی موجب کاهش حضورپذیری افراد در فضاهای شهری به‌عنوان بستر تعاملات اجتماعی می‌شود. علی‌رغم پذیرش مفاهیمی چون شهروندی کثرت‌گرا و حقوق شهروندی، درکنار ظهور مفهوم عدالت اجتماعی و فضایی، هم‌چنان در بسیاری از شهرهای امروزی به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه فضاها مردسالارانه و جنسیت زده‌اند و نیازها و الگوهای رفتاری زنان را در طراحی و برنامه‌های شهری نادیده گرفته می‌شود که این امر از عواملی است که موجبات ماندگار شدن زنان در فضای خانه و کم‌رنگ شدن حضور آن‌ها در فضاهای شهری را فراهم می‌آورد. این در حالی است که فضاهای شهری موفق فضاهایی در دسترس و همه شمول و محفلی جهت حضور همه‌ی گروه‌ها فارغ از هر گونه ویژگی‌های جنسیتی، اجتماعی و... هستند.

فرضیه‌ی این پژوهش، تأثیرگذاری هنجارهای اجتماعی– فرهنگی بر به حاشیه رانده شدن گروه زنان از فضاهای شهری و زیر پا گذاشته شدن مفهوم حقوق شهروندی در فضاهای شهری است. در این راستا به مطالعه‌ی الگوهای رفتاری زنان و عوامل تاثیرگذار بر میزان حضور زنان در دو فضای شهری (خیابان محلی) با تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پرداخته می‌شود.

۱-۱- پیشینه پژوهش

فضای عمومی به‌عنوان ظرف حیات مدنی، مکانی برای تعاملات و ارتباطات مردم به‌شمار می‌آید و بنابراین لازم است از ویژگی کثرت‌گرایی (یکی از ارکان جامعه‌ی مدنی) برخوردار باشد. مکان‌هایی با چنین قابلیتی باید امکان حضور زنان در فضاهای شهری را فراهم آورند تا بدین‌ترتیب این عرصه‌ها که مهمترین مکان برای تقویت جامعه‌ی مدنی هستند، محملی برای تمامی شهروندان شوند تا مفهوم جامعه‌ی مدنی به‌صورت کامل تحقق یابد. لذا بدیهی است در این امر زنان هم باید نقشی موثر و فعال داشته باشند (حبیبی، ۱۳۹۴). طراحی شهری با رویکرد جنسیتی با به چالش کشیدن فضاهای شهری در آمریکا پس از جنگ جهانی دوم، در اواخر قرن نوزدهم با هدف طراحی برای برابری جنسیتی و تقویت توان پیاده‌روی زنان در فضاهای شهری، کاهش وابستگی به رانندگی، سهولت در دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، نزدیکی محل کار، سکونت، خدمات دیگر و... ترویج پیدا کرد تا حضور برابر زنان در مقابل مردان در فضاهای شهری را فراهم کند. این رویکرد هنجارهای اجتماعی رایج در آمریکا پس از جنگ جهانی دوم و فرضیات مردسالارانه را به چالش کشیده و نابرابری‌های جنسیتی را مورد توجه قرار داده است (Spain, 2014). همچنین نظریه‌ی توانمندسازی زنان از اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰، در حوزه‌ی توسعه و زنان، توسط تعداد زیادی از سازمان‌های توسعه محور از سمن‌ها تا واحدهای تخصصی سازمان ملل اتخاذ شده تا به توانمندسازی زنان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بپردازد (لطفی، ۱۳۸۷ و طباطبایی، ۱۳۸۴).

در خصوص حضور و رفتار زنان در شهر و فضاهای شهری براساس بررسی‌های ص در پژوهش‌ها، عمدتا تکیه بر وجه کالبد در سطح شهر و تاثیر آن بر حضور زنان بوده؛ در این راستا محتوا و خصیصه‌های آن به‌صورت اخص، اغلب نادیده گرفته شده که با بررسی پژوهش‌های این حوزه، سعی در واکاوی اهداف و دستاوردهای پژوهش‌های داخلی و خارجی پیشین، در حوزه‌ی مذکور، شده است.

در زمینه‌ی کیفیت محیطی، به پژوهش‌های بسیاری می‌توان اشاره کرد: برای نمونه سنجش مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از منظر زنان (رفیعیان و همکاران،۱۳۸۷)، شناسایی عوامل کیفیت محیط جهت حضور پذیری زنان (محمدی، ۱۳۸۷؛ Rosewarne, 2005) با تکیه بر ویژگی‌های کالبد (قرایی،۱۳۹۴)، بررسی الگوی برنامه‌ریزی کاربری فضاهای شهری مؤثر بر افزایش امنیت زنان (ضابطیان و همکاران، ۱۳۸۹)، کیفیت و تنوع فعالیت‌ها و تسهیلات در فضاهای عمومی و تاثیر آن بر حضور زنان (Frank, 2002 و حبیبی، ۱۳۹۴) و ررسی امنیت محیطی با رویکرد سی.پی.تی.ای.دی.[۱] (الماسی فر و انصاری، ۱۳۸۹). در پژوهشی با عنوان «رفتار زنان در فضاهای عمومی و تأثیر حریم خصوصی به‌عنوان یک ارزش فرهنگی: نمونه‌ی

نابلس، فلسطین» به بررسی چگونگی پاسخ‌دهی فرم کالبدی به نیاز حریم خصوصی زنان در طراحی شهری فضاهای عمومی محلات تاریخی و جدید (Ghadban, Al-Bishawi & Jorgensen, 2015) پرداخته شده است. به‌نظر می‌رسد رویکرد اصلی این پژوهش‌ها بر طراحی و برنامه‌ریزی شهری و توجه به ویژگی‌های کالبدی و فعالیتی است.

دسته‌ی دیگری از پژوهش‌ها محدودیت‌های حضور زنان را صرفا برگرفته از ویژگی‌های کالبدی نمی‌دانند، بلکه عواملی چون هنجارهای اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه را نیز در نظر می‌گیرند (Day, 2000; Gorcia et al. 2004). در مقاله ای با عنوان «بررسی عوامل محدود کننده حضور زنان در فضاهای شهری» به بررسی آن دسته از محدودیت زنان در فضاهای شهری پرداخته که برگرفته از طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی موثر بر کاهش حضور زنان است (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸). همچنین در بررسی تاثیر کیفیت فضای شهری بر میزان حضور زنان در شهر اهواز، عوامل متعددی مشتمل بر مسائل کالبدی فضا، شرایط فرهنگی، اجتماعی محدودیتی برای حضور و مشارکت اجتماعی برابر با مردان مورد بررسی قرار گرفته است (محمدی مکوندی، ۱۳۹۷). در بررسی تفاوت‌های رفتاری و فعالیتی زنان و مردان، پژوهشی در محله‌ی کم درآمد سن خوزه انجام شده که به این نکته اشاره می‌کند که بخش اعظم فعالیت‌های زنان مرتبط با کارهای خانگی و در عرصه‌ی خصوصی صورت می‌گیرد؛ درحالی‌که فعالیت‌های مردان، از نوع تولیدی است و در عرصه‌ی عمومی اتفاق می‌افتد (Grundström, 2005; Phadke, 2012).

نتایج تحقیقات فروزنده (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای در مورد دسترسی زنان شهری به فضاهای عمومی، با در نظر گرفتن دو عنصر تحصیلات و اشتغال در نحوه‌ی استفاده زنان شهری مورد توجه قرار گرفته است (علینژاد و سرایی، ۱۳۸۵). بر این اساس ویژگی‌های فردی (تحصیلات و اشتغال) و عوامل فرافردی (وظایف و مسئولیت‌ها) نقش تعیین‌کننده و موثری در نحوه استفاده از فضاها می‌توانند داشته باشند.

در مرکز بین‌المللی پژوهش‌های زنان آسیا پژوهش «خشونت در فضاهای عمومی علیه زنان و دختران: روایت‌هایی از هند» انجام پذیرفت. در این پژوهش به خصیصه‌های تاریخی-فرهنگی اقوام و نقش آن‌ها در پدیده‌ی خشونت‌های جنسی علیه زنان و دختران در فضاهای شهری هند پرداخته شده که براساس یافته‌ها، فضاها و حمل‌ونقل عمومی، برای زنان و حضور آن‌ها امن نمی‌شود، مگر آنکه تغییر نگرش فرهنگی در ساختار شخصی، خانوادگی و اجتماعی یک جامعه رخ دهد. ارتقاء کیفیت کالبدی فضاهای عمومی به تنهایی قادر نخواهد بود امنیت و حضورپذیری زنان را تضمین نماید (Anand & Nanda, 2022). در نتیجه می‌توان دریافت که عوامل متعددی حضور زنان را در فضاهای شهری تشویق و یا محدود می‌کنند، عوامل کالبدی، طراحی فضاها و یا هنجارهای غالب اجتماعی و فرهنگی از این دسته عوامل به‌شمار می‌آیند (مدنی‌پور، ۱۳۷۹).

با این توضیحات، ویژگی‌هایی که پژوهش حاضر را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند، این است که علاوه بر در نظر گرفتن عوامل کالبدی، تاکید بر تاثیر عوامل محتوایی بر رفتار و فعالیت زنان در فضاهای محله‌ای دارد. بدین معنا که بر این باور است که عوامل کالبدی به تنهایی نمی‌تواند عامل اصلی به حاشیه رانده شدن زنان در عرصه‌های عمومی باشد؛ بلکه باورها و اعتقادات جامعه بر میزان حضور زنان در فضاها نقش قابل توجهی دارند. اگرچه در برخی از پژوهش‌ها چون محمدی (۱۳۸۸) تاثیر الگوهای رفتاری بر میزان حضور و فعالیت زنان در فضاهای شهری پرداخته‌اند و اصول اخلاقی دیکته شده به زنان در مقایسه با مردان بررسی کرده‌اند؛ اما این پژوهش به بررسی و تحلیل آن دسته از شاخص‌هایی می‌پردازد که توامان منجر به «حاشیه رانده شدن زنان» در بافت‌های سنتی و مدرن می‌گردد تا درک درست‌تر و کامل‌تری از موضوع ارائه شود.

۲- مبانی نظری

۲-۱- حضور زنان در شهر و فضاهای شهری

فضای شهری عرصه‌ی عمومی تظاهرات اجتماعی-فرهنگی است. در فضای شهری است که فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جریان می‌یابد، ترکیب کالبدی فضای شهری نیز تبلور انواع فعالیت‌هایی است که در آن جریان دارد. به دیگر سخن فضای شهری صورتی است از محتوایی که حیات شهری نام دارد و در رابطه‌ی معنادار بین محتوا و شکل است که جریان یافتن فعالیت‌ها در فضای شهری با ارزش‌های شکلی فضاها و بناها آمیخته می‌شود و فضای شهری گویش و لهجه خاص خود را دارا می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۰، ۱۰). اگرچه فضاهای عمومی به‌منظور استفاده‌ی عموم مردم فارغ از جنسیت، قوم و... ایجاد می‌شوند، ولی زنان، دسترسی محدودتری نسبت به مردان به اینگونه فضاها داشته و حتی در مواردی به‌طور

کامل از فضاهایی که عموماً برای مردان و حضور آن‌ها آزاد است، طرد می‌شوند (Brady, 2005, 158 به نقل از علیپور، ۱۳۹۲). مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که فضاهای عمومی شهری در زندگی روزانه‌ی زنان نسبت به مردان، بسیار تاثیرگذارتر هستند؛ زیرا زنان ناچار هستند در طی روز نقش‌های متفاوت و در نتیجه مقاصد گوناگون را دنبال کنند. استفاده بسیار زیاد زنان از مراکز خرید، پارک‌ها، معابر و وسایل نقلیه‌ی عمومی نیز موید همین امر است؛ بنابراین بدیهی است که الگوهای سفر و تحرک زنان بر دستیابی آن‌ها به فضاهای عمومی تاثیر می‌گذارد (Phadke, 2012; Bell, 1998).

ویلیام وایت پس از بررسی‌های متعدد، یکی از شاخص‌های موفقیت فضاهای عمومی را نسبت بالای زنان به مردان معرفی می‌کند. چنانچه تعداد زنان در فضایی بیشتر باشد، نشان‌دهنده‌ی فضایی خوب با مدیریتی عالی است که مورد پسند همگان است. از طرفی، در فضاهای شلوغ‌تر [فضاهای شلوغ اما خوشایند]، درصد حضور زنان بیشتر از میزان متوسط است (قرایی، ۱۳۹۴). در حقیقت رویکرد اولیه در توسعه‌ی فضاهای باز عمومی، ایجاد محیطی است که توسط گروه‌های سنی و جنسی گوناگون مورد استفاده قرار گیرد (رضازاده، ۱۳۸۹، ۱). کار (۱۹۹۲) سه اصل را به‌عنوان ویژگی‌های فضاهای شهری مطلوب بیان می‌کند:

- حق دسترسی؛
- حق انجام فعالیت‌ها؛
- حق ایجاد تغییرات.

مطابق با این اصول گاهی اوقات، فضاهای شهری قادر به هم‌ساز نمودن همه‌ی مردم نبوده است. در نتیجه، برخی از گروه‌ها در فضاهای شهری به‌حاشیه رانده می‌شوند. به‌طور گسترده، واژه به «حاشیه رانده‌شدگان» تداعی‌کننده‌ی پویایی میان دو مفهوم در تحلیل اجتماعی است: مرکز (جریان اصلی) و منطقه‌ای که «حاشیه» نامیده می‌شود. «مرکز» که با تسلط، امتیاز و قدرت در ارتباط بوده؛ و «حاشیه» که با ناتوانی نسبی مرتبط است. به حاشیه رانده شدن به معنای در حاشیه قرار گرفتن بوده، در نتیجه، از امتیاز و منابع قدرت در مرکز محروم می‌شود. در حاشیه قرار گرفتن عمدتاً بر مبنای مفاهیمی هم‌چون جنسیت، فرهنگ، زبان، نژاد، گرایش جنسی، مذهب، وابستگی‌های سیاسی، موقعیت و یا طبقه‌ی اجتماعی- اقتصادی و موقعیت جغرافیایی شکل می‌گیرد (Badshah, 1996).

برخی از نویسندگان فمنیست در ارتباط با ایجاد احساس رانده شدن و در حاشیه قرار گرفتن زنان از فضاهای شهری، مانند داوول[۲] (۱۹۹۹) عقیده دارد، تقسیم فضای شهری به فضای خانه و فضای کار -عرصه‌ی خصوصی در ارتباط با عرصه‌ی عمومی برای مردان- اثرات زیادی را بر زندگی زنان و موقعیت آن‌ها گذاشته و خانه مکانی برای محروم ساختن آن‌ها، سوء استفاده و تحت اطاعت در آوردن آن‌ها شده است. درحالی‌که طبق سنت مردان همواره به داشتن حضور در محیط بیرونی تشویق می‌شدند و از آن‌ها هم‌چنان نقش حفاظت از خانه انتظار می‌رفت؛ فرانک و پارکسون[۳] (۱۹۸۹) حضور زنان در فضای شهری را این‌گونه توصیف می‌کنند: فرض بر این است که زنان به خانه تعلق دارند، اما شماری از زنان به دلایل مختلف وارد عرصه‌های عمومی شده‌اند، اما همواره مورد آزار و اذیت قرار گرفته و رفت‌وآمد آن‌ها با محدودیت روبه‌رو بوده است، یا نقش‌های آن‌ها متاثر از کلیشه‌های جنسیتی در محیط خصوصی بوده است. بنابراین، تقسیم فضای شهری به فضای خانه و فضای کار همان است که کارپ، استن و یولز[۴] (۱۹۹۱) «ماهیت جنسی‌شده فضای شهری» نامیده‌اند (مدنی‌پور، ۱۳۷۹، ۱۲۶)؛ و این در حالی است که فضای عمومی به‌عنوان ظرف حیات مدنی، مکانی برای تعاملات و ارتباطات مردم به‌شمار می‌آید و می‌باید از ویژگی کثرت‌گرایی (یکی از ارکان جامعه‌ی مدنی) برخوردار باشد. مکان‌هایی با چنین قابلیتی باید امکان حضور زنان را در فضاهای شهری فراهم آورند تا بدین ترتیب این عرصه‌ها که مهم‌ترین مکان برای تقویت جامعه‌ی مدنی هستند، محملی برای بهره‌مندی تمامی شهروندان گردند و از این رهگذر مفهوم جامعه‌ی مدنی به‌صورت کامل تحقق یابد (حبیبی، ۱۳۹۴، ۲۰۸).

۲-۲- به حاشیه رانده شدن زنان

شهر مکان زندگی اجتماعی در جامعه‌ی مدنی است. جامعه‌ای که در عین حفظ آزادی‌های فردی شهروندان، زمینه‌ی کار، بحث، تبادل اطلاعات و مشارکت و... را برای گروه‌های مختلف انسانی به‌صورت مسالمت آمیز فراهم می‌آورد؛ اما رسیدن به آرمان‌های چنین جامعه‌ای خود، در گرو فراهم شدن زمینه‌های لازم برای انجام فعالیت‌های اجتماعی و ضرورت حضور در عرصه‌های عمومی و فضاهای شهری جهت جاری شدن حیات مدنی جامعه است (حبیبی، ۱۳۷۹، ۲۴-۲۳). زنان و بسیاری

از اقشار و گروه‌های اجتماعی نه تنها از حق طبیعی خود، یعنی بهره‌مندی از فضاهای عمومی شهر محروم هستند، بلکه به‌دنبال آن از سهیم شدن در فرآیند مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی نیز بازمی‌مانند (ضابطیان، ۱۳۸۹). با در نظر گرفتن حقوق شهروندی کثرت‌گرا در جامعه‌ی مدنی امروز و رویکرد عدالت محور در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، انتظار می‌رود که زنان نیز همانند مردان از حقوق شهروندی و شرایط برابر برای حضور در فضای شهری برخوردار باشند (رضازاده، ۱۳۸۹، ۲۸). با این وجود، عوامل متعددی زنان را در فضای شهری محدود می‌کند. عوامل کالبدی و طراحی فضاها و هنجارهای غالب اجتماعی و فرهنگی از این دست عوامل هستند. تصور قلمروهای متفاوت برای زنان و مردان و در عین حال ساخت شهرها به‌وسیله مردان که در عین حال نیازهای مردان را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد را می‌توان در نحوه‌ی عمل فضای شهری در محدود کردن تحرک‌پذیری زنان مشاهده کرد که این محدودیت را به لحاظ فیزیکی، با القای الگوهای حرکت و رفتار بر پایه‌ی ترس و دسترسی محدود شده اعمال می‌شود. همچنین به لحاظ اجتماعی، انگاره‌هایی در مورد نقش زنان در جامعه‌ی شهری در قالب‌های فیزیکی، اجتماعی، روانی و مکانی و...، آزادی حرکت و حضور زنان در فضاهای شهری را محدود می‌نماید (مدنی‌پور، ۱۳۷۹، ۱۲۴). در مجموع عوامل تأثیرگذار بر حضور زنان در فضاهای شهری را می‌توان عواملی چون عوامل فرافردی، میان فردی، فردی و عوامل مرتبط با کالبد تقسیم بندی نمود.

۲-۲-۱- عوامل فردی

عوامل فردی در ارتباط با ویژگی‌های شخصیتی و فردی زنان است. به‌عبارتی محدودیت‌های پیش‌روی زنان در راستای حضور در فضاهای شهری به‌شدت از ویژگی‌های فردی مانند شرایط سنی، نوع اشتغال و نیز وضعیت تأهل تاثیر می‌پذیرد (علیخواه و نجیبی، ۱۳۸۵). برای نمونه زنانی که به‌دلیل اشتغال در خارج از منزل، به‌طور روزمره در عرصه‌ی شهر حضور می‌یابند؛ اعتماد به نفس به مراتب بیشتری نسبت به زنان خانه‌دار در خود احساس می‌کنند. هم‌چنین احساس ترس از حضور در عرصه‌ی شهر در زنان مسن به مراتب بیشتر از دختران جوان است (الماسی‌فر، ۱۳۸۹). به این معنی که نیازهای افراد در طول دوره‌ی زندگی قابل تغییر بوده و می‌توان گفت سن یک عامل موثر بر چگونگی تغییر نوع و سطح نیاز است (بهروزفر، ۱۳۷۹، ۸۲؛ Phadke, 2012, 21). در عین حال تجارب فردی منفی که بر احساس ترس و استرس تاثیر دارند، به‌عنوان یک عامل مهم در بهبود فضا برای مشارکت زنان مؤثر هستند (Seedat et al. 2012; Paul, 2011, 5; Stark & Meschik, 2018). درک از امنیت به شدت فردی است و تحت تاثیر آستانه‌ی پذیرش شخص در رابطه با سن، توانایی‌های فیزیکی و پس زمینه‌های اجتماعی فرهنگی است (Green & Singleton, 2006; MacMillan et al. 2000). استانکو[۵] بر این باور است که ترس از جرم و حس ناامنی زنان در عرصه‌ی شهر به‌دلیل توان کمتر جسمی، گرایش به یادآوری تجارب گذشته، آسیب‌پذیری جسمی و جنسی و... در زنان سه برابر مردان است (علیخواه و نجیبی، ۱۳۸۵، ۳۳). زنان تمایل بیشتری درک منفی از امنیت نسبت به مردان را دارند (Hidayati, Tan & Yamu, 2020, 14).

۲-۲-۲- ویژگی‌های میان فردی

به‌عبارتی ویژگی‌های میان فردی به رابطه‌ی بین افراد تلقی می‌گردد. بر این اساس زنان در زمینه‌ی ارتباط با دیگران متکی به اصول اخلاقی مراقبتی هستند (Day, 2000). به‌عبارتی ترجیح دادن نیازها و اولویت‌های دیگران، ممکن است منجر به محدودیت تعامل اجتماعی زنان در فضای عمومی شود؛ بنابراین تجربه‌ی زنان در محیط به دلیل نقش‌های اجتماعی آن‌ها متفاوت از مردان بوده و به گونه‌ای متفاوت در فضا رفتار می‌کنند. به‌همین دلیل، زنان زمان بیشتری در خانه هستند، بیشتر خرید می‌کنند، فرزندانشان را به مدرسه می‌برند و در خیابان‌ها کمتر احساس امنیت می‌کنند (Chant, 2013, 13).

۲-۲-۳- ویژگی‌های فرافردی

این عوامل در ارتباط با شاخص‌هایی است که به‌صورت عوامل مداخله‌گر بر ویژگی‌های حضور زنان تاثیر می‌گذارد و زنان نمی‌توانند دخل و تصرفی در آن داشته باشند. این موارد را می‌توان در قالب ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه و یا عاملی چون الگوهای سیاست‌گذاری در محیط برررسی نمود.

راپاپورت[۶] فرهنگ را عاملی مهم در شکل‌دهی به سامانه‌های فعالیتی انسان‌ها و در پی آن سکونتگاه‌ها می‌داند (پاکزاد، ۱۳۸۹). به بیان دیگر فرهنگ تاثیر قابل توجهی بر روی رفتارها می‌گذارد و گواه بارز این مدعا این که افرادی که در فرهنگ‌های

مختلف بار می‌آیند و رشد می‌کنند، در جهان‌های ادراکی و حسی کاملاً متفاوتی زندگی می‌کنند (هال، ۱۳۷۹، ۹۲). به‌عبارت دیگر فرهنگ الگوهای رفتاری را به‌وجود می‌آورند که این الگوها تعیین‌کننده و بیان‌کننده‌ی چگونگی استفاده مردم از فضا می‌شوند (بحرینی، ۱۳۸۳، ۲۲)؛ بنابراین زنان تحت تاثیر الگوهای رفتاری متفاوت به‌شیوه‌ای متفاوت در فضا به عمل و فعالیت می‌پردازند. موارد دیگری چون نگاه به زنان به‌عنوان مسئول امور خانه، سبب می‌شود که زنان زمان محدودی داشته باشند که کریستین دی[۷] (۲۰۰۰) از آن به‌عنوان عوامل محدودکننده نام می‌برند. در عین حال سیاست‌هایی همچون برنامه‌ها و طراحی‌هایی که منجر به محدودیت حضور و تردد زنان در فضاهای شهری می‌گردند، نیز در این دسته قرار می‌گیرند.

۲-۲-۴- عوامل کالبدی و عملکردی

در کنار عوامل محتوایی، بی‌شک عوامل کالبدی هم در حضور و فعالیت زنان تاثیر دارند. زیرمعیارهایی که در این بعد قابل بررسی هستند، طیف متعددی را دربرمی‌گیرند، برای نمونه عدم دسترسی آسان زنان به فضاهای مناسب شهری و حتی متناسب نبودن ابعاد و تناسب مبلمان شهری در فضاها با شرایط زنان که بر نوع رفتار و فعالیت آن‌ها تاثیر می‌گذارد. علاوه بر عوامل کالبدی، مقوله‌ی عملکرد در قالب ایجاد تنوع کاربری در فضاهای شهری که منجر به وقوع فعالیت‌های متنوع و امکان حق انتخاب‌های بیشتر برای تمامی گروه‌ها به ویژه برای زنان به‌عنوان گروه‌های به حاشیه رانده شده را در فضاهای شهری می‌شود.

۲-۳- الگوهای رفتاری زنان در محیط

زنان تحت تاثیر الگوی رفتاری مراقبتی هستند. گیلیگان[۸] نیز معتقد است زنان و مردان در ارتباط با محیط و در مقابل با دیگران متفاوت برخورد می‌کنند. این دو مفهوم عبارتند از: اصل اخلاق مراقبتی و اصل اخلاقی عدالتی که اولی در ارتباط با نوع رفتار حاکم بر زنان در محیط و دومی در ارتباط با مردان است (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۷، ۲۲). اصل اخلاق مراقبتی در واقع مدلی از توسعه اخلاقی و معنوی است که در آن نیازهای ضروری و اخلاقی در ارتباط با نیازهای مراقبتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این اصل نشان می‌دهد بیشتر رفتارها و توجهات زنان در فضاهای عمومی در ارتباط با فرزند، همسر، دوستان و خانواده است. این در حالی است که ارتباط مردان با دیگران در محیط، مبتنی بر تامین شدن نیازهای فردی آنها است (Day, 2000). بنابراین زنان با توجه به اصل حاکم بر رفتار آن‌ها، گروه‌های مختلفی را شامل کودکان، سالمندان، بیماران و خانواده تحت مراقبت خود قرار می‌دهند و این امر محدودیت هایی را برای حضور زنان در محیط ایجاد می‌کند. به هر طریق حضور زنان در فضای شهری که امکان بروز انواع فعالیت‌های اجباری، اختیاری و اجتماعی را فراهم می‌کند، نه تنها در سلامت زنان، احساس عضوی از محیط بودن تاثیرگذار است، بلکه گروه‌های مرتبط با زنان را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۷، ۲۳).

راپاپورت معتقد است به‌منظور بررسی میزان رضایت افراد در محیط باید به مطالعه‌ی رفتارها پرداخت (پاکزاد، ۱۳۸۹). الگوها در واقع نمونه‌ها، مثال‌ها و تصاویر ذهنی ایده‌آل مربوط به شیوه‌ی عمل است. الگوهای رفتاری مورد قبول افراد و اعمال آن‌ها بر ارزش‌هایی استوار است که در نزد دیگران مورد قبول هستند و این رفتارها در مجموع با ثبات بوده و روزانه عوض نمی‌شوند (گنجی و حسن‌زاده، ۱۳۸۶، ۱۹۲). در واقع الگوهای رفتاری ناشی از فرهنگ، اعتقادات، عادات، محیط زندگی، قوانین حاکم بر جامعه و خصوصیات فردی است و هر کدام از این شاخص‌ها به‌تنهایی یا به‌همراه سایر عوامل، رفتارهای متفاوت افراد را توجیه می‌کند. در هر حال الگوهای متفاوت رفتاری، محیط‌های خاص خود را برای بروز یا کنترل احتیاج دارند (عباس‌زادگان، ۱۳۸۴).

تجربه‌ی زنان و مردان در نحوه‌ی حضور در فضای عمومی تجربه‌ای خاص و متفاوت است که این امر به‌دلیل درک شناختی متفاوت آن‌ها از محیط که اساسا مربوط به هنجارهای فرهنگی، اجتماعی و مشروعیت اجتماعی است. ازآنجایی‌که تمایزهای آشکاری میان نیازها، کنش‌ها و چگونگی بهره‌برداری از فضاهای شهری در میان زنان و مردان به‌چشم می‌خورد و با توجه عوامل به حاشیه رانده شدن زنان از فضاهای شهری، در این بخش با اشاره به تفاوت در انواع فعالیت‌ها، قلمرو فعالیتی زنان و به زمان فعالیت پرداخته می‌شود.

- انواع فعالیت[۹]: زنان در مقام مقایسه با مردان و تحت تاثیر الگوی اخلاقی مراقبتی از یک‌سو و هنجارهای فرهنگی از سوی دیگر بیشتر در فضا برای انجام فعالیت اجباری تا اختیاری و اجتماعی حضور می‌یابند و این امر در محلات سنتی بسیار بیشتر از محلات مدرن نمود دارد.

– حدود قلمرو: هایدن[10] معتقد است که زنان هیچ‌گاه از حق کامل تصرف و بهره‌گیری از فضاهای عمومی شهر برخوردار نبوده‌اند. از دید موزینگو[11] (۱۹۸۹)، زنان فضای شخصی کوچک‌تری نسبت به مردان دارند و گروه‌های جمعی زنان محدوده‌های کوچکتری را نسبت به گروه‌های مردان اشغال می‌کنند (قرایی، ۱۳۹۱، ۱) که در ارتباط با این موضوع والتین[12] بر این باور است که «زنان برای تصرف و استفاده محدود از فضاهای عمومی تحت فشار هستند». هلنی[13] (۱۹۷۹) در پژوهشی با عنوان «زنان در مکان‌های عمومی» فضای خصوصی زنان را مورد بررسی قرار می‌دهد و گزارش می‌کند زنان مسیرهایی خارج از مسیر پیاده‌روهایی که غالباً محل تردد مردان است انتخاب می‌کنند (قرایی، ۱۳۹۴، ۱۶۰).

– زمان: بحث زمان به مدت حضور در فضا و زمان حضور در شب و روز اختصاص دارد. در رابطه با موضوع اول زنان به‌دلیل نوع فعالیت اجباری و همچنین هنجارهای اجتماعی حاکم کمتر در فضای عمومی حضور دارند. در ارتباط با حضور در شب نیز، ازآنجاکه به‌طورکلی مردان احساس مثبت‌تری در مورد امنیت محیط خودشان نسبت به زنان دارند، کمتر در شب و اوایل شب در فضا حضور دارند. برای نمونه در مورد وسایل نقلیه بیش از ۶۰ درصد زنان در تاریکی احساس ناامنی دارند (National London Conference Report , 2005, 5). بدین‌ترتیب ترس از جرم رفتار و حالات را در فضاهای شهری تغییر می‌دهد و این اثرات روی زنان و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی و اقتصادی شدیدتر است، به‌طوری‌که حرکت‌های آن‌ها را محدود می‌کند و به‌ویژه بعد از تاریکی شدن هوا موجب در خانه ماندن آن‌ها می‌شود و فرصت‌های مشارکت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها را کاهش می‌دهد (Lubuva & Mtani, 2004, 15).

با توجه به بررسی عوامل تاثیرگذار بر به حاشیه رانده شدن زنان در فضاهای شهری، نحوه‌ی ارتباط این مفاهیم در قالب چارچوب مفهومی در تصویر شماره‌ی ۱ ارائه شده است. اگرچه توأمان عوامل محتوایی و کالبدی می‌توانند بر به حاشیه رانده شدن زنان در فضا تاثیر بگذارند. در این نوشتار تاکید خاص بر عوامل محتوایی است که می‌توانند، زمینه‌ی عدم پاسخگویی فضا را ایجاد نموده و از این رهگذر موانعی برای تضییع حق حضور زنان در فضا باشند.

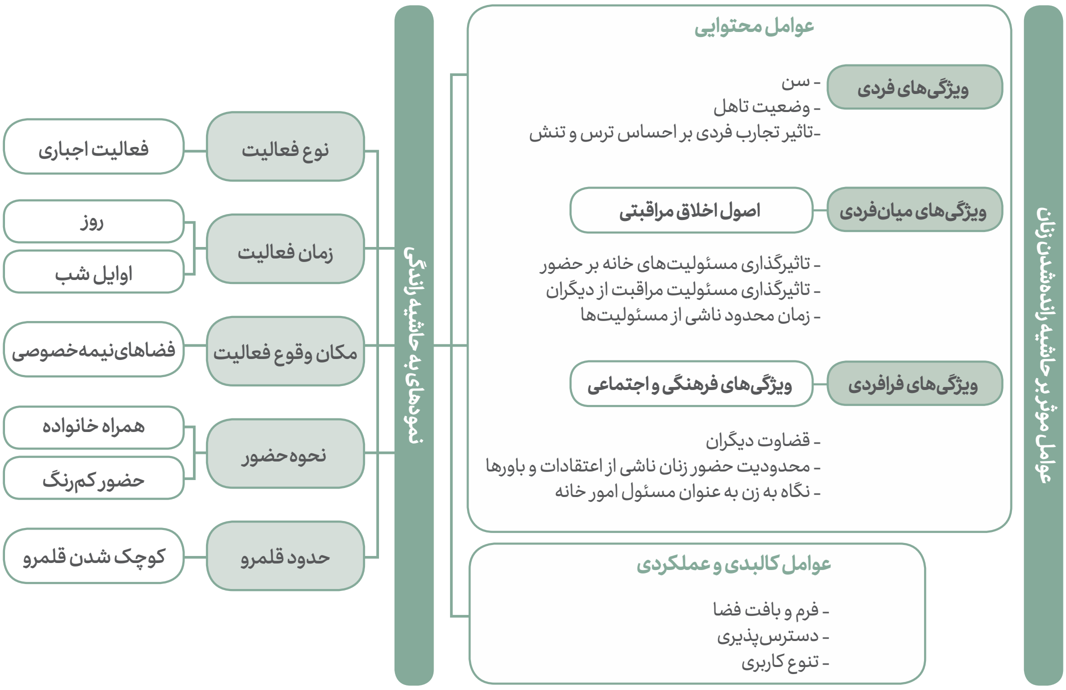
عوامل موثر بر حاشیه رانده‌شدن زنان
عوامل محتوایی
ویژگی‌های فردی
- سن
- وضعیت تاهل
-تاثیر تجارب فردی بر احساس ترس و تنش
ویژگی‌های میان‌فردی
اصول اخلاق مراقبتی
- تاثیرگذاری مسئولیت‌های خانه بر حضور
- تاثیرگذاری مسئولیت مراقبت از دیگران
- زمان محدود ناشی از مسئولیت‌ها
ویژگی‌های فرافردی
ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی
- قضاوت دیگران
- محدودیت حضور زنان ناشی از اعتقادات و باورها
- نگاه به زن به عنوان مسئول امور خانه
عوامل کالبدی و عملکردی
- فرم و بافت فضا
- دسترس‌پذیری
- تنوع کاربری
نمودهای به حاشیه راندگی
نوع فعالیت
فعالیت اجباری
زمان فعالیت
روز
اوایل شب
مکان وقوع فعالیت
فضاهای‌نیمه‌خصوصی
نحوه حضور
همراه خانواده
حضور کم‌رنگ
حدود قلمرو
کوچک شدن قلمرو

تصویر ۱– عوامل موثر بر به حاشیه رانده شدن زنان در فضای شهری

۳- روش پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل تاثیر عوامل محتوایی بر الگوهای رفتاری و فعالیت زنان در محیط‌های متفاوت اجتماعی، از نوع کاربردی بوده و با توجه به بررسی عوامل موثر بر نحوه و میزان حضور زنان در زمره‌ی پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی است که نخست با روش «اسنادی-کتابخانه‌ای»، به تدوین مطالعات نظری پرداخته است. در بخش جمع‌آوری اطلاعات در نمونه‌ی موردی، به‌صورت روش پیمایشی تحلیلی با استفاده از ابزار پرسشنامه و انجام مصاحبه با افراد صاحب‌نظر در راستای جمع‌آوری اطلاعات دقیق‌تر استفاده شده است. پرسشنامه‌ها در هر یک از فضاهای شهری مورد نظر با سوالات یکسان (در برخی سوالات بنا بر محله گزینه متفاوتی وجود داشته است)، صرف‌نظر از موقعیت شغلی و جایگاه اجتماعی زنان بین آن‌ها توزیع و سپس داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس. تحلیل شده است. سنجه‌های مورد نظر در پرسشنامه، عوامل فردی شخصی (ویژگی‌های هر شخص اعم از: سن، وضعیت تاهل، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات)، عوامل میان فردی (خرید روزانه، مراقبت از کودکان و سالمندان) و عوامل فرا فردی (قضاوت دیگران، محدودیت حضور در فضا و تاکید بر حضور زنان در فضای خانه) بوده‌اند. همچنین سوالاتی در راستای نوع فعالیت، زمان و مکان‌های وقوع فعالیت زنان در فضاهای محله‌ای پرسیده شده است. به‌منظور بررسی تطبیقی تفاوت الگوهای رفتاری از نظرات ۱۶۰ نفر از زنان ساکن بالای ۲۰ سال دو محله امامزاده یحیی و زرگنده به‌عنوان محلات سنتی و مدرن استفاده شده است. در ضمن در راستای رسیدن اهداف پژوهش، برداشت‌های رفتاری زنان در ماه اردیبهشت در شرایط آب‌وهوای مناسب به مدت ۷ روز، به‌طوری‌که ۴ روز در وسط هفته (سه‌شنبه‌ها) و ۳ روز آخر هفته (جمعه‌ها)، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با یادداشت‌برداری رویدادها، ردیابی و عکس‌برداریِ فعالیت‌ها، دوام، مدت‌زمان حضور زنان ثبت شدند و در نهایت و با تفسیر اطلاعات حاصل شده به مقایسه دیدگاه‌ها، الگوهای رفتاری، نیازها و خواسته‌های زنان در فضاهای محله‌ای سنتی و غیر سنتی پرداخته شده است.

۳-۱- معرفی محدوده‌ی مورد مطالعه

محله‌ی سنتی امامزاده یحیی: محله‌ای که امروزه تحت عنوان امامزاده یحیی شناخته می‌شود در منطقه‌ی ۱۲ شهرداری تهران که یکی از مناطق سنتی شهر محسوب می‌شود واقع شده است. این محله (تصویر ۲) از شمال به خیابان امیرکبیر، شرق به خیابان ری، جنوب به خیابان ۱۵ خرداد و از غرب به خیابان شهید مصطفی خمینی می‌رسد؛ اما در گذشته این محله جزیی از محله بزرگ عودلاجان بوده که دارای وسعت و محدوده‌ای بیشتر از امروزه بوده است. در واقع محله‌ی عودلاجان از سه بخش شرقی یا امامزاده یحیی با کارکرد غالب مسکونی، بخش میانی یا پامنار با کارکرد غالب تجاری، تولیدی یا انبارداری و بخش غربی یا ناصرخسرو و کوچه‌ی مروی با کارکرد غالب تجاری شکل گرفته که بر اساس خیابان کشی‌های دوره‌ی پهلوی اول، پس از تدوین قوانین مربوط به احداث و تعریض معابر داخلی شهر، از سال ۱۳۱۰ به بعد خیابان‌های مرکزی شهر ـ یکی بعد از دیگری شکل می‌گیرد (مهندسین مشاور باوند، ۱۳۸۳). این محله شامل دانه‌بندی ریز و متراکم و خیابان‌های کم‌عرض و غیرمنظم است. بافت سنتی و تاریخی این محله بر اساس دسترسی پیاده شکل گرفته است. با ورود اتومبیل و ایجاد خیابان برای عبور سواره در بافت سنتی، ناهماهنگی فضایی و کالبدی به‌وجود آمده است. محله‌ی امامزاده یحیی مشابه سایر مناطق سنتی شهر تهران، جاذبه‌های سکونتی خود را به‌دلیل نزدیکی به بازار تهران به مرور زمان از دست داده که امروزه حدود ۲۵ درصد جمعیت محله را جمعیت مهاجر با سطح اقتصادی و اجتماعی پایین تشکیل می‌دهند که به این محله مهاجرت کرده‌اند.

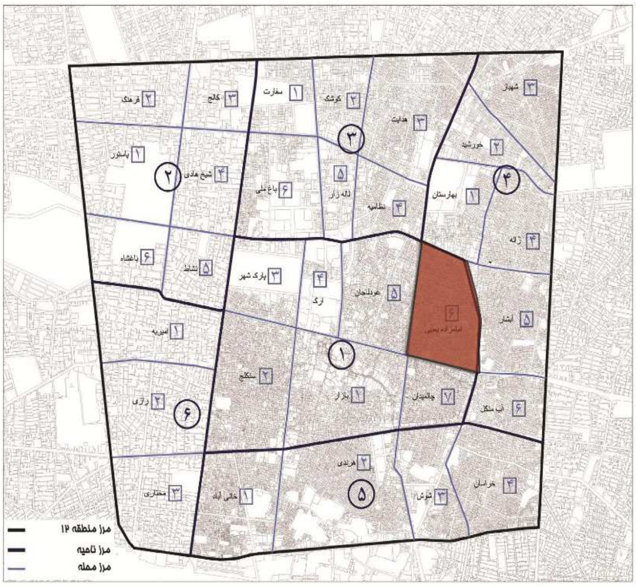
مرز منطقه ۱۲
مرز ناحیه
مرز محله
امامزاده یحیی
مختاری
خانی آباد

تصویر ۲- موقعیت محله امامزاده یحیی در منطقه‌ی ۱۲ شهرداری تهران

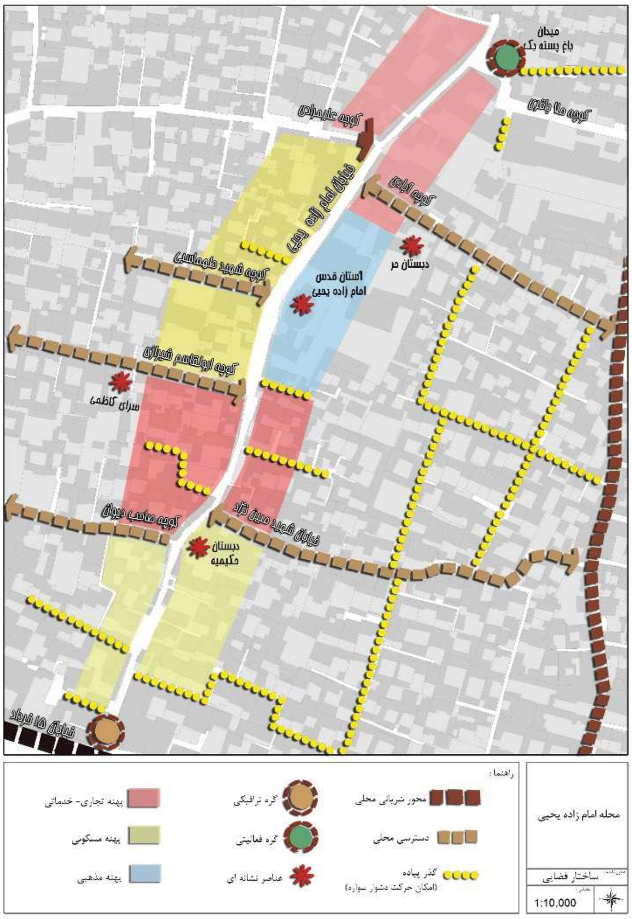
میدان باغ پسته بک
دبستان حر
استان قدس امام زاده یحیی
سرای کاظمی
دبستان حکیمیه
خیابان ۱۵ خرداد
راهنما :
محور شریانی محلی
دسترسی محلی
گذر پیاده
(امکان حرکت دشوار سواره)
گره ترافیکی
گره فعالیتی
عناصر نشانه ای
پهنه تجاری- خدماتی
پهنه مسکونی
پهنه مذهبی
محله امام زاده یحیی
ساختار فضایی
1:10,000

تصویر ۳- نقشه‌ی استخوان‌بندی خیابان امامزاده یحیی

همان‌طورکه در تصویر ۳ مشاهده می‌شود، محور امامزاده یحیی و امتداد آن با بازارچه‌ی نواب اصلی‌ترین نقش ساختاری را در منطقه داراست که اکثر خدمات عمده‌ی محله‌ای، مراکز محله و بازارچه‌ها و فضاهای باز و عمومی محله را در امتداد خود مستقر دارد. به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین امتدادهای شمالی-جنوبی کل محله پیوند میان اجزای اصلی بافت را برقرار ساخته و دارای نقش ساختاری است. دارای عرض حداکثری ۹-۸ متری است که نسبت به خیابان‌های فرعی مناسب‌تر است. مشاهدات کارشناس محور حاکی از وجود خط آسمانی نسبتاً پیوسته در کل سطح محله به‌جز در مواردی محدود است که به علت وجود ساختمان‌های نوساز این پیوستگی از دست رفته است. وجود بناهایی با نماهای نامناسب منجر به پایین بودن سطح کیفیت بصری خیابان محلی شده و استقرار کاربری‌های خرد جهت تامین مایحتاج روزانه منجر حضور زنان فارغ از کالبد نامناسب می‌گردد. عناصر شاخصی چون آستانه‌ی امامزاده یحیی و درخت ۹۰۰ ساله کهن‌ترین چنار تهران در آن از عناصر باارزش محور است که موجب حضور استفاده‌کنندگان بومی و بعضاً غیربومی در طول محور می‌شود.
محله‌ی غیر سنتی زرگنده (ظفر): این محله در ناحیه دو منطقه‌ی سه شهرداری تهران قرار دارد. این ناحیه در شمال مرکزی تهران واقع و قبلاً جزء نقاط ییلاقی شهر تهران محسوب می‌شده است. از شمال به بزرگراه آیت‌الله صدر، از مغرب به بزرگراه آیت‌الله مدرس، از جنوب به خیابان وحید دستگردی و از شرق به خیابان دکتر شریعتی (جاده قدیم شمیران) محدود می‌شود (تصویر ۴).

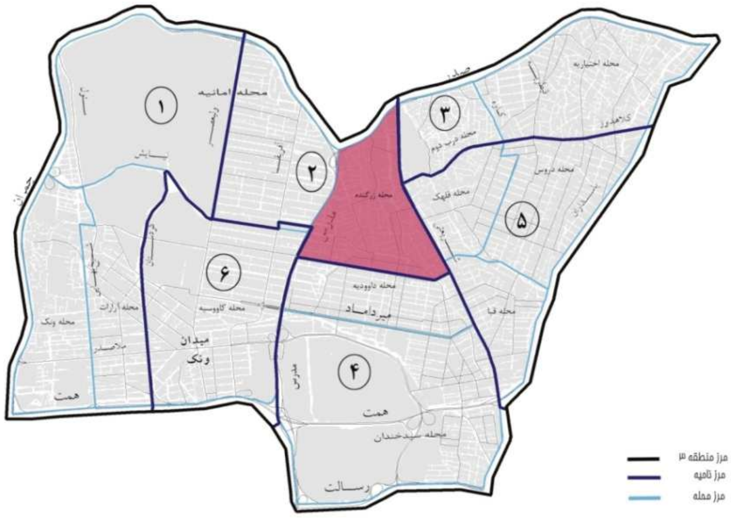

۱
۲
۳
۴
۵
۶
محله امانیه
محله زرگنده
محله دربند دوم
محله اختیاریه
کلاهدوز
محله دروس
محله قلهک
محله داوودیه
میرداماد
محله قبا
محله کاووسیه
محله ازارات
محله ونک
ملاصدرا
میدان ونک
همت
مدرس
محله سیدخندان
رسالت
نیایش
صدر
مرز منطقه ۳
مرز ناحیه
مرز محله

تصویر ۴- نقشه موقعیت محله زرگنده در منطقه‌ی ۳ شهرداری تهران

ساکنان محله دو گروه هستند: گروهی که ساکنان قدیمی و بومی روستای حسن‌آباد زرگنده بوده‌اند و گروهی که از شهرهای دیگر به این محله مهاجرت کرده‌اند. از دیدگاه اجتماعی و اقتصادی در قسمت‌های مرکزی که محل سکونت مهاجرین است، به‌دلیل مشکلات جوامع مهاجر و در حقیقت دور شدن از پایگاه‌های فکری جامعه قبلی و سنت‌های مرسوم در آن و مواجه با نظام مغشوش اجتماعی شهرهای بزرگ فقر فرهنگی را می‌توان مشاهده نمود و از دید اقتصادی دارای سطح متوسط رو به پایین هستند. ولی در قسمت‌های دیگر این محله، به‌خصوص حواشی خیابان دستگردی (ظفر)، دارای سطح رفاه متوسط رو به بالا هستند. محله‌ی زرگنده از پیوند بافت‌های متفاوتی که تحت تأثیر عوامل مختلف در این محدوده قرار گرفته‌اند تشکیل شده است. مهم‌ترین عامل شکل‌گیری بافت محله مزبور را می‌توان سابقه‌ی تاریخی ساخت‌وساز و سیاست‌های تفکیک زمین در مقاطع مختلف توسعه‌ی شهر تهران نام برد.

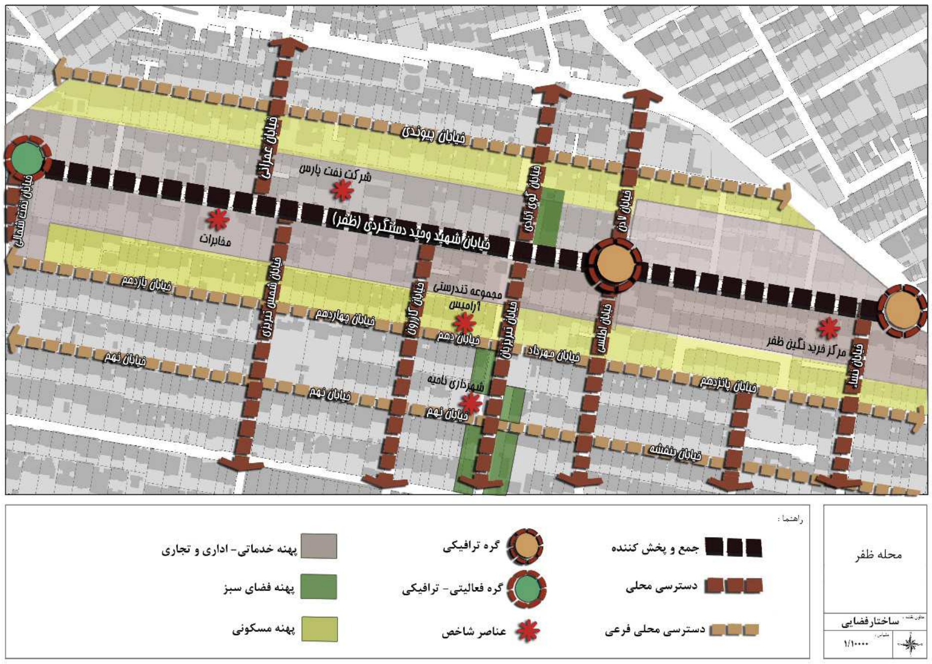
خیابان پیوندی
خیابان عمرانی
شرکت نفت پارس
خیابان کوی آزادی
خیابان لادن
خیابان نفت شمالی
مخابرات
خیابان شهید وحید دستگردی (ظفر)
خیابان یازدهم
خیابان شمس تبریزی
مجموعه تندرستی آرامیس
خیابان کازرون
خیابان چهاردهم
خیابان دهم
خیابان تبریزیان
خیابان مهرداد
خیابان اطلسی
مرکز خرید نگین ظفر
خیابان نسا
خیابان نهم
شهرداری ناحیه
خیابان پانزدهم
خیابان بنفشه
راهنما :
جمع و پخش کننده
دسترسی محلی
دسترسی محلی فرعی
گره ترافیکی
گره فعالیتی- ترافیکی
عناصر شاخص
پهنه خدماتی- اداری و تجاری
پهنه فضای سبز
پهنه مسکونی
محله ظفر
عنوان نقشه: ساختارفضایی
مقیاس: ۱/۱۰۰۰۰

تصویر ۵- نقشه‌ی استخوان‌بندی خیابان دستگردی

خیابان شهید وحید دستگردی (ظفر)، پذیرای بخش مهمی از فعالیت‌های محله‌ای، منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای است، به‌طوری‌که در میانه‌ی محور حجم زیادی از فعالیت‌ها اداری-درمانی هستند که موجب حضور افراد غیر ساکن در محدوده شده است. از طرفی وجود فعالیت‌های خرد روزانه موجب حضور افراد محلی به‌خصوص زنان در طول روز است. محورهای مهم محله (تصویر ۵) همچون گذر عمرانی و تبریزیان در بخش میانی محله به‌عنوان دو محور اصلی شمالی-جنوبی که حوزه‌های مختلف محله را در بخش جنوبی به یک‌دیگر پیوند می‌دهند، از خیابان دستگردی منشعب می‌شوند. محله‌ی زرگنده نیز از دید ارزش‌های فضائی و منظر شهری، مشابه با سایر نواحی شهر تهران علی‌رغم استفاده از مصالح مناسب در سطح پائینی قرار گرفته و اکثراً معماری ساختمان‌ها با بناهای اطراف از دید طراحی، نوع استفاده از مصالح در نما، حد ارتفاعی بسیار ناهماهنگ و به‌هم ریخته است. تنها در خیابان‌های پر درخت مانند خیابان دستگردی، گیاهان با پوشاندن نمای ساختمان‌ها، این ناهماهنگی‌ها را پنهان می‌سازند.

۴- تحلیل داده‌ها

در این بخش منطبق بر چارچوب مفهومی به عوامل محتوایی (به تفکیک عوامل گوناگون) تأثیرگذار بر حاشیه رانده شدن زنان در هر دو محله پرداخته می‌شود.

۴-۱- عوامل فردی

بررسی ویژگی‌های فردی زنان: بیشترین تعداد زنان پرسش‌شونده در هر دو محله در رده‌ی سنی ۳۵-۲۰ سال هستند و کمترین تعداد مربوط به رده‌ی سنی بالای ۵۵ سال است. در محله‌ی امامزاده یحیی ۷۴/۱ درصد و محله زرگنده ۶۱/۱ درصد از زنان پاسخگو، متأهل بوده‌اند. بیشترین فراوانی در محله‌ی امامزاده یحیی مربوط به زنان با سطح تحصیلات زیر دیپلم است و بیش از ۵۰ درصد زنان دارای سطح تحصیلات کمتر از کارشناسی هستند، این در حالی است که بیشترین سطح تحصیلات در محله‌ی زرگنده متعلق به زنان با سطح تحصیلات کارشناسی است و کمترین میزان متعلق به زنان با سطح تحصیلات زیر دیپلم است. بدین‌ترتیب از دید ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی زنان ساکن محله امامزاده یحیی در وضعیت پایین‌تری قرار دارند.

در ارتباط با تاثیرگذاری ویژگی‌های فردی زنان بر میزان حضورشان در فضاهای محله‌ای سنتی و غیرسنتی، از طریق رابطه‌ی همبستگی میان مشخصات فردی زنان (سن، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات، مدت سکونت، وضعیت اشتغال و تاهل) و پرسش کلی میزان حضور زنان در فضاهای محله‌ای، این رابطه بررسی شده و نتایج حاکی از آن است که عواملی چون سن، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات و مدت سکونت با میزان حضور زنان در فضاهای محله‌ای سنتی (امامزاده یحیی) رابطه‌ی مثبت و

معنی‌داری دارد. از طرفی در فضاهای محله‌ای غیرسنتی، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، تعداد فرزندان و مدت سکونت بر میزان حضور زنان تاثیر گذارند، ولی میزان حضورشان رابطه‌ای با سن، سطح تحصیلات افراد ندارد. ویژگی‌های فردی زنان نیز بنا بر میزان معناداری، اولویت‌بندی شده‌اند. به این ترتیب ویژگی‌های فردی در محله‌ی سنتی تاثیر بیشتری بر نوع فعالیت و حضور دارد. بررسی عامل ترس و تنش به‌عنوان عامل فردی: احساس ترس که ناشی از تجربیات فردی است، مهم‌ترین عامل در منع حضور و به حاشیه رانده شدن زنان در محله‌ی سنتی است که ناشی از حضور و تجمع معتادین و گروه‌های نابه‌هنجار در سطح محله است.

جدول ۱- آزمون همبستگی[14] میان میزان حضور زنان در فضاهای محله‌ای و ویژگی‌های فردی

میزان حضور زنان در خیابان	محله‌ی امام‌زاده یحیی					محله‌ی زرگنده				
	میزان معناداری	اولویت معناداری	فرض		اولویت	میزان معناداری	اولویت معناداری	فرض		اولویت
			اچ صفر	اچ یک				اچ صفر	اچ یک	
سن	۰/۰۳۰	–۰/۳۸۸	–		۲	۰/۴۸۷	–۰/۱۳۳		–	–
وضعیت تاهل	۰/۸۱۸	۰/۱۳۰		–	–	۰/۱۱۰	۰/۳۱۷	–		۲
تعداد فرزندان	۰/۱۰۶	–۰/۲۱۵	–		۴	۰/۰۴۹	–۰/۳۲۷	–		۱
سطح تحصیلات	۰/۰۵۱	۰/۳۵۴	–		۳	۰/۴۹۷	۰/۱۰۹		–	–
وضعیت اشتغال	۰/۰۹۱	۰/۱۴۸	–		۵	۰/۱۰۲	۰/۱۹۸	–		۵
مدت سکونت	۰/۰۰۴	۰/۵۰۰	–		۱	۰/۱۴۱	۰/۳۰۳	–		۳
چنانچه سطح معنی‌داری متغیرهای پژوهش کوچکتر از ۰/۰۵ باشد به‌احتمال ۹۵٪ و اگر کوچکتر از ۰/۱ باشد به‌احتمال ۹۰٪ رابطه متغیرها معنی‌دار است و فرض اچ صفر[15] رد می‌شود.										

۴-۲- عوامل میان فردی و فرافردی

بررسی مسئولیت‌ها و محدودیت‌های حضور زنان به‌عنوان عامل میان فردی: بررسی‌ها نشان می‌دهد که در خیابان محلی سنتی و غیرسنتی، کار در خانه، خرید روزانه، کار بیرون از خانه، مراقبت از کودکان و بیماران و مراقبت از سالمندان به ترتیب به‌عنوان مانعی جهت حضور زنان بیان شده‌اند که این عوامل برگرفته از اصول اخلاق مراقبتی و احساس مسئولیت نسبت به گروه‌های تحت مراقب آن‌ها (کودکان، سالمندان) است. بررسی هنجارهای اجتماعی- فرهنگی به‌عنوان عوامل فرا فردی: قضاوت دیگران ناشی از هنجارهای اجتماعی که حاکی از افکار و اندیشه‌های سنتی حاکم در جامعه است، در محله‌ی سنتی امامزاده یحیی پررنگ‌تر است، ولی در محله‌ی زرگنده کم‌ترین درصد را به خود اختصاص داده است. پس ترس از قضاوت دیگران یک عامل مهم در میزان حضور زنان در محلات سنتی است.

جدول ۲- عوامل محتوایی موثر بر حضور زنان در محلات سنتی و غیرسنتی

عوامل محتوایی موثر بر حضور زنان در فضاهای محله‌ای			محله امامزاده یحیی		محله زرگنده	
			درصد	اولویت	درصد	اولویت
محدودیت‌ها	عوامل فردی	ترس و تنش	۲۷/۸	۵	۳۳/۳	۳
		کار خانه	۳۸/۹	۳	۳۸/۹	۲
	عوامل میان فردی	کار بیرون از خانه	۱۱/۱	۷	۲۵/۹	۴
		خرید روزانه	۵۹/۳	۱	۶۳/۰	۱
		مراقبت از کودکان و بیماران	۲۰/۴	۶	۱۶/۷	۵
		مراقبت از سالمندان	۵/۶	۸	۵/۶	۶
	عوامل فرا فردی- ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی	قضاوت دیگران	۴۲/۶	۲	۱/۹	۷
		محدودیت حضور در فضا	۲۸/۴	۴	۵/۶	۶
		تاکید بر حضور زنان در فضای خانه	۲۰/۴	۶	–	۸

۴-۲- نمودهای به حاشیه رانده شدن زنان

نوع فعالیت زنان در شب و روز و در طول هفته تحت تاثیر الگوهای مراقبتی و محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی آن‌ها تحت تاثیر قرار می‌گیرد. دفعات حضور زنان، مدت حضور، زمان حضور، نحوه‌ی حضور در هر دو خیابان محله نشان می‌دهد که نیمی از زنان در هر دو محله، هر روز هفته در خیابان حضور می‌یابند، اما زنان هنگام حضور در خیابان امام‌زاده یحیی به‌دلیل وجود امامزاده یحیی، ساعات بیشتری را نسبت به خیابان دستگردی در خیابان می‌گذرانند.

- **نوع فعالیت:** یافته‌های کلی حاکی از این موضوع است که در هر دو محله‌ی سنتی و غیرسنتی، بیش از ۵۰ درصد از زنان به کارها و فعالیت‌های اجباری محوله شده مانند کارِ خانه و خرید روزانه می‌پردازند این در حالی است که در محله‌ی زرگنده نسبت به محله‌ی سنتی بیشتر زنان شاغل هستند. در عین حال سهم فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی در هر دو محله کمتر از فعالیت‌های اجباری است. به‌نظر می‌رسد که در این زمینه وضعیت زنان در محله غیرسنتی بهتر از محله سنتی است.

جدول ۳- انواع فعالیت‌های زنان در محله سنتی و غیرسنتی

نوع فعالیت	فعالیت	خیابان امامزاده یحیی	خیابان دستگردی
فعالیت اجباری	خرید روزانه	۷۴/۱	۷۷/۸
	کار	۳/۰	۳۱/۵
	بردن و آوردن کودکان به مدرسه	۲۰/۴	۱۳/۰
فعالیت اختیاری	قدم زدن	۱۸/۵	۵۳/۷
	خوردن و آشامیدن	۵/۶	۷/۴
	گذران اوقات فراغت	۳۳/۳	۲۹/۶
فعالیت اجتماعی	ملاقات با دوستان	۲۷/۸	۳۳/۳

- **زمان:** بیشترین زمان حضور زنان در هر دو محله، صبح‌ها است و میزان حضور در خیابان محلی سنتی (امام‌زاده یحیی) تا اواخر شب به‌طور تدریجی کاهش می‌یابد که این امر می‌تواند ناشی از عدم وجود امنیت مناسب باشد؛ اما در محله‌ی غیرسنتی زرگنده، میزان حضور در خیابان محلی در اوایل شب (عصر) افزایش یافته و در اواخر شب کاهش می‌یابد. به‌عبارتی در محله‌ی سنتی حضور زنان در شب کمرنگ‌تر است، این امر می‌تواند ناشی از الگوهای اجتماعی و فرهنگی و باورهای مذهبی زنان باشد.

جدول ۴- ویژگی‌های حضور زنان در محله سنتی و غیرسنتی

ویژگی‌های حضور در محله			خیابان امامزاده یحیی			خیابان دستگردی		
			فراوانی	درصد	اولویت	فراوانی	درصد	اولویت
بررسی عامل زمان	**مدت حضور**	چندین ساعت	۴۲	۲۵/۹	۲	۲۴	۱۴/۸	۲
		۴-۳ ساعت	۲۶	۱۶/۷	۴	۲۴	۱۴/۸	۲
		۲-۱ ساعت	۵۳	۳۳/۳	۱	۹۱	۵۷/۴	۱
		کمتر از ۱ ساعت	۳۹	۲۴/۱	۳	۲۱	۱۳/۰	۳
	زمان حضور	صبح	۹۱	۵۸/۴	۱	۷۶	۴۷/۱	۱
		ظهر	۴۴	۲۵/۱	۲	۲۱	۱۴/۸	۳
		اوایل شب	۲۱	۱۴/۶	۳	۵۷	۳۴/۳	۲
		اواخر شب	۴	۱/۹	۴	۶	۳/۸	۴

- **مکان وقوع فعالیت:** کاربری‌های متنوع مانند کافه و رستوران در طول خیابان دستگردی مهم‌ترین مکان جهت حضور زنان در سطح خیابان است. ولی در محله‌ی امامزاده یحیی به‌دلیل نبود کاربری‌های مرتبط با نیازهای زنان در طول خیابان امام‌زاده یحیی و حاکمیت باورهای مذهبی، عملکرد امام‌زاده علاوه بر مکانی جهت عبادت، به فضایی نیمه‌خصوصی جهت حضور و گذران اوقات زنان در محله امام‌زاده یحیی تبدیل شده است.

جدول ۵- مکان‌های وقوع فعالیت‌های زنان در محله سنتی و غیرسنتی

مکان وقوع فعالیت در فضاهای محله‌ای	خیابان امامزاده یحیی	خیابان دستگردی
مرکز فرهنگی-ورزشی	۹/۳	۲۷/۸
پارک	۲۲/۲	۲۲/۲
اجتماع در آستانه منازل	۳/۷	۷/۴
مغازه گردی	۲۰/۴	۳۳/۳
امامزاده یحیی	۶۸/۵	-
رستوران	-	۴۰/۷

- **نحوه‌ی حضور:** از دیگر عواملی که می‌تواند به‌نوعی نشان‌دهنده‌ی رفتار زنان در فضا باشد، نحوه‌ی همراهی آن‌ها در فضا است. در ارتباط با نحوه‌ی حضور زنان در خیابان، یافته‌ها حاکی از آن است که زنان در هر دو محله غالباً تنها حضور می‌یابند.

جدول ۶- نحوه‌ی حضور زنان در محله سنتی و غیرسنتی

نحوه حضور	خیابان امامزاده یحیی			خیابان دستگردی		
	فراوانی	درصد	اولویت	فراوانی	درصد	اولویت
تنها	۶۷	۴۸/۱	۱	۷۷	۵۳/۷	۱
همراه با کودکان	۴۳	۲۹/۵	۱	۱۴	۱۱/۱	۳
همراه با دوستان	۳۷	۲۴/۲	۲	۳۲	۳۵/۲	۲
همراه با خانواده	۳۵	۲۲/۲	۳	۵۷	۴۰/۷	۱

- **حدود قلمرو زنان در فضا:** به‌منظور بررسی مفهوم قلمرو، پرسشی مبنی بر اینکه «آیا حضور مردان و جوانان مذکر مانعی برای حضور است؟» طرح شد که بر اساس اظهار نظر زنان، در محله‌ی سنتی امامزاده یحیی طیف پاسخ‌ها (حدود ۵۷ درصد) متمایل به خیلی زیاد و در محله‌ی زرگنده (حدود ۹۰ درصد) خیلی کم است. بدین ترتیب حضور مردان به‌عنوان گروه‌های احتمالاً نابه‌هنجار سبب کوچک شدن قلمرو زنان در محله‌ی امامزاده یحیی می‌شود که پیامدهایی چون کاهش حضور زنان در فضاها و محدود شدن مسیر حرکتی در سطح محله داشته است. این الگوی رفتاری می‌تواند ناشی از عقاید مذهبی در محله سنتی و باور به ضرورت دور بودن از مردان در ذهن زنان و استفاده از فضای آستان قدس امامزاده یحیی باشد. این در حالی است که این عامل در محله غیرسنتی زرگنده با نگرش متفاوت، موضوعی بی‌اهمیت است.

۵- یافته‌ها و بحث

در ارتباط با تاثیرگذاری ویژگی‌های فردی زنان بر میزان حضورشان در فضاهای محله‌ای سنتی و غیرسنتی، نتایج حاکی از آن است که عامل‌های سن، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات و مدت سکونت با میزان حضور زنان در فضاهای محله‌ای سنتی رابطه‌ی معنی‌داری دارد. از طرفی در فضاهای محله‌ای غیرسنتی، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، تعداد فرزندان و مدت سکونت بر میزان حضور زنان تاثیر گذارند. ویژگی‌های فردی در محله سنتی تاثیر بیشتری بر نوع فعالیت و حضور دارد. بر اساس یافته‌ها در محله‌ی سنتی طیف متفاوتی از متغیرها بر کاهش حضور و فعالیت زنان در محله به‌عنوان نمودهای به حاشیه رانده شدن تاثیر دارند. در بررسی مسئولیت‌ها و محدودیت‌های حضور زنان به‌عنوان عامل میان فردی، زنان در محله سنتی بیشتر در فضا برای فعالیت اجباری (خرید روزانه، کار، بردن و آوردن کودکان به مدرسه) حضور می‌یابند و در اوایل شب و اواخر شب حضور کمرنگ‌تری دارند. عواملی چون قضاوت دیگران (۴۲/۶ درصد) و حضور مردان (۵۷ درصد) موانعی برای حضور زنان در فضای محله‌ی سنتی است. بدین‌ترتیب می‌توان استنباط کرد که حق حضور به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی از زنان در این فضا ضایع شده و این در حالی است که در محله‌ی غیرسنتی میزان تاثیرگذاری متغیرها بر کاهش حضور و بروز فعالیت زنان در محله کم‌رنگ‌تر است به‌طوری‌که ۹۰ درصد زنان، حضور مردان را مانعی بر حضور خود

نمی‌دانند. تفاوت در اعتقادات، فرهنگ، سطح اقتصادی موجب ظهور تفاوت در مفهوم گذراندن اوقات فراغت زنان در خیابان محلی سنتی و غیرسنتی شده، به‌طوری‌که ۶۸,۵ درصد از زنان محله سنتی، امامزاده یحیی را جهت جمع شدن با دوستان و همسایگان ترجیح داده و در محله‌ی غیر سنتی، ۴۰,۷ درصد رستوران‌ها را محلی جهت تقابلات اجتماعی می‌دانند و ۳۳,۳ درصد مغازه‌گردی را به‌عنوان اوقات فراغت می‌دانند. علی‌رغم فرض عموم، نیمی از زنان در هر دو محله تمایل دارند به‌تنهایی در محله حضور داشته باشند. کارِ خانه و مسئولیت‌های محوله و ترس و تنش از عوامل محدودکننده‌ی حضور زنان در هر دو خیابان محلی است. در نمودار زیر تفاوت نمودهای به حاشیه رانده شدن زنان در هر دو محله سنتی و غیرسنتی به‌صورت تطبیقی نمایش داده شده که برای درک بهتر تصویر زیر، مدت و نحوه حضور به درصد بیان شده‌اند.

محله امامزاده یحیی		محله زرگنده
فعالیت اجباری	نوع فعالیت	- فعالیت اجباری - فعالیت اختیاری
- صبح ۵۷,۴ - ظهر ۲۴,۱	زمان فعالیت	- صبح ۴۷,۴ - اوایل شب ۳۴,۳
آستان مقدس امامزاده یحیی	مکان وقوع فعالیت	کافه و رستوران
- تنها ۴۸,۱ - همراه با کودکان ۲۹,۵	نحوه حضور	- تنها ۵۳,۷ - همراه خانواده ۴۰,۷
کوچک بودن قلمرو	حدود قلمرو	عدم محدودیت قلمرو
- ترس از قضاوت دیگران - حاکمیت باورها و اعتقادات	هنجارهای اجتماعی - فرهنگی	خنثی

تصویر ۶- تفاوت مصادیق نمودهای به حاشیه رانده شدن در محله سنتی و غیرسنتی

۶- نتیجه‌گیری

بدون شک زنان و مردان ازنقطه‌نظر عاطفی و فیزیولوژیکی متفاوت هستند، در روند برنامه‌ریزی و طراحی فضاها عدم پاسخگویی محیط به نیازها زنان، این گروه به حاشیه رانده شده است. زنان نیازمند فضایی منطبق با نیازها و رفتارهایشان جهت حضور در فضاهای شهری هستند، فضاهایی به دور از تفاوت‌ها و تبعیض‌های جنسیتی که عرصه‌ای برای بروز فعالیت‌های اجتماعی و اختیاری و نه صرفاً فعالیت‌های اجباری و وظیفه مراقبتی توسط زنان و گروه‌های وابسته (کودکان، سالمندان) به آن‌ها باشد. در این نوشتار با تاکید ویژه بر عوامل محتوایی و تاثیرگذاری آن‌ها بر رفتار زنان در محلات سنتی و غیرسنتی مشخص شد که در کنار ویژگی‌های فردی زنان (سن، وضعیت تاهل، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات و مدت سکونت) که رابطه‌ی معنی‌داری با میزان حضور آن‌ها در فضاهای محله‌ای دارد و به حاشیه رانده شدن و یا فراگیری آن‌ها منجر می‌شود؛ عوامل دیگری چون مسئولیت‌های بازدارنده (کار خانه، شغل، وضعیت مالی) و احساسات منفی برگرفته از تجربیات قبلی افراد مانند ترس از عوامل موثر بر به حاشیه رانده شدن و میزان حضور زنان در هر دو محله است. همچنین اعتقادات و باورهای مذهبی (ترس از قضاوت دیگران) به‌عنوان هنجارهای اجتماعی مهم‌ترین عامل در به حاشیه رانده شدن زنان در فضاهای محله‌ای سنتی است که منجر به روانه شدن زنان به مکان‌های به‌اصطلاح امن (امامزاده یحیی) جهت رفع نیاز تعامل با دیگران می‌شود. هنجارهای اجتماعی در سطح محله به صورتی است که در محله‌ی امامزاده یحیی بیش از نیمی از زنان، حضور مردان و سایر گروه‌های نابه‌هنجار را عاملی مهم در عدم حضور و یا تغییر مسیر حرکتی در خیابان محلی می‌دانند؛ اما در محله مدرن زرگنده بیش از ۹۰ درصد از زنان حضور مردان را به هیچ وجه مانعی جهت حضور در خیابان محلی نمی‌دانند. در واقع حدود قلمرو زنان در محله‌ی سنتی به‌واسطه‌ی هنجارهای اجتماعی و عقاید سنتی و مذهبی کوچک و محدود است.

همچنین زنان به‌دلیل عدم احساس امنیت شبانه، صبح‌ها را جهت انجام فعالیت‌های اجباری در هر دو محله ترجیح می‌دهند. کالبد نامناسب، عاملی مهم جهت عدم بروز فعالیت‌های اختیاری و رانده شدن زنان از فضاهای محله‌ای است به‌گونه‌ای که زنان فضای خانه را متعلق به خود دانسته فضای بیرون خانه با تمامی امکانات و تسهیلات موجود، متعلق به مردان می‌دانند. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که هنجارهای اجتماعی تأثیر زیادی بر به حاشیه رانده شدن و کاهش حضور زنان در یک محله سنتی دارند و زنان بیشتر در این فضاها کنار گذاشته می‌شوند. این امر نشان می‌دهد که فارغ از تأثیرگذاری کالبد بر بروز رفتار، عوامل محتوایی تاثیر زیادی بر به حاشیه رانده شدن یا طرد زنان در فضای شهری دارند.

پی‌نوشت

1- CPTED
2- Dowell
3- Frank & Parkson
4- David A. Karp, Gregory P. Stone & William C. Yoles
5- Elizabeth Stanko
6- Amos Rappaport
7- Kristen Day
8- Carol Gilligan

۹- گل در سال ۱۹۸۷ فعالیت‌های عمومی انسان در جامعه را در سه طیف تعریف می‌کند که این فعالیت‌ها عبارت هستند از: فعالیت‌های ضروری (مدرسه رفتن، سرکار رفتن، خرید کردن مایحتاج روزانه)، فعالیت‌های انتخابی (قدم زدن، ایستادن و نشستن با هدف لذت بردن) و فعالیت‌های اجتماعی (صحبت کردن با دیگران).

10- Dolores Hyden
11- Mozingo,1989
12- Jean Walton
13- Nancy Henley

۱۴- برای محاسبه‌ی میزان رابطه بین دو متغیر و آزمودن اینکه آیا وجود رابطه بین آن‌ها معنی‌دار است؛ شاخص همبستگی را محاسبه می‌کنند که این شاخص‌ها با نوع داده‌هایی که برای هر یک از متغیرها جمع‌آوری شده، فرق می‌کنند. همبستگی یک رابطه دو طرفه است و محقق نمی‌داند که کدام متغیر روی متغیر دیگر، تاثیرگذار است (میرزاده،۱۳۹۴، ۲۹۷-۲۹۸).

۱۵- اچ صفر فرض اولیه‌ای است که همیشه تاکید بر نادرستی آن است مگر آنکه خلاف آن به‌وسیله‌ی داده‌های نمونه به قدرت تایید شود. در مقابل، فرض دیگری که برخلاف فرض اولیه مطرح می‌شود، فرض ثانویه یا اچ یک است.

منابع

- الماسی‌فر، نینا. انصاری، مجتبی. (۱۳۸۹). بررسی امنیت محیطی در پارک های منطقه ای به‌عنوان بخشی از فضاهای شهری از دیدگاه زنان برپایه رویکرد CPTED (نمونه موردی: پارک ساعی). *مدیریت شهری*، شماره ۲۵، ۳۴-۲۱.
- بحرینی، حسین. (۱۳۸۳). *تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان و ضوابطی برای طراحی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهروزفر، فریبرز. (۱۳۷۹). شناخت مشخصات محیطی متناسب با سالمندان. *صفه*، شماره ۳۱، ۸۹-۸۲.
- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۹). *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۳)؛ از فضا تا مکان*. تهران: انتشارات شهیدی.
- حبیبی میترا. (۱۳۹۴). کیفیت و تنوع فعالیت‌ها و تسهیلات در فضاهای عمومی و تاثیر آن بر حضور زنان با تاکید بر شهر تهران. مجموعه *مقالات زنان و زندگی شهری*. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- حبیبی، محسن. (۱۳۷۹). جامعه مدنی و حیات شهری. *هنرهای زیبا*، شماره ۷، ۳۳-۲۱.
- حبیبی، محسن. (۱۳۸۰). فضای شهری برخوردی نظریه‌ای. *صفه*، شماره ۳۳، ۲۷-۲۱.
- داداش پور، هاشم. یزدانیان، احمد. کشت کار، وحید. (۱۳۹۶). شناسایی و تحلیل مولفه های موثر بر حضور عادلانه زنان در فضای عمومی شهری (مطالعه موردی: بوستان شوش تهران). *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۲۱-۴۳.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۴). *معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی*. ترجمه‌ی فرح حبیب. تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی.
- رضازاده، راضیه. محمدی، مریم. (۱۳۸۷). طراحی فضای محله‌ای بر تکیه بر رویکرد عدالت جنسیتی و چارچوب اصول اخلاقی مراقبتی. *نامه معماری و شهرسازی*، شماره ۱، ۷۷ — ۵۵.
- رضازاده، راضیه. (۱۳۸۹). فضای شهری زمینه‌ساز عدالت اجتماعی، بررسی موانع و عوامل مشارکت زنان در فضای عمومی. نهاد توسعه تهران، ویژه‌نامه شماره ۷، ۳۰-۲۸.

– رضازاده، راضیه. محمدی، مریم. (۱۳۸۸). بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری. *هنرهای زیبا*، دوره ۱، شماره ۳۸، ۱۱۴–۱۰۵.

– رفیعیان، مجتبی. رضازاده، راضیه. سیفیان، مهسا. احمدوند، یزدان (۱۳۸۷). سنجش میزان مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از منظر گروه‌های خاص اجتماعی زنان. *نامه هنر*، ۵۴–۳۷.

– ضابطیان، الهام (۱۳۸۷). شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط شهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

– ضابطیان، الهام. بمانیان، محمدرضا. رفیعیان، مجتبی (۱۳۸۹). بررسی الگوی برنامه‌ریزی کاربری فضاهای شهری موثر بر افزایش امنیت زنان (نمونه موردی: بخش مرکزی شهری تهران). *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۸. ۱۴۷–۱۰۷.

– عباس زادگان، مصطفی (۱۳۸۴). ابعاد اجتماعی–روانشناختی در فضاهای شهری. *نشریه بین‌المللی علوم مهندسی*، جلد ۱۶، شماره ۱، ۶۹–۸۴.

– علی‌پور شجاعی، فرشته (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی فضاهای عمومی و فضاهای عمومی ویژه زنان در میزان پاسخگویی به نیازهای بانوان؛ نمونه‌ی موردی: پارک آب‌وآتش بوستان بهشت مادران تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری. تهران: دانشگاه هنر.

– علی‌خواه فردین. نجیبی، مریم (۱۳۸۸). زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری. *رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۳–۱۰۹.

– علیرضا نژاد، سهیلا. سرایی، حسن (۱۳۸۵). زن در عرصه عمومی: مطالعه موردی فضاهای عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن. *نامه‌ی علوم اجتماعی*، شماره ۳۰. ۱۴۹–۱۲۳.قرایی، فریبا (۱۳۹۴). *شناسایی عوامل کیفیت محیط با تکیه بر ویژگی‌های کالبدی و زیبایی‌شناختی و تاثیر آن بر حضور زنان در فضاهای عمومی شهر*. مجموعه مقالات زنان و زندگی شهری. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

– گنجی، حمزه. حسن‌زاده، رمضان (۱۳۸۶). *روانشناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت*. تهران: نشر مهارت.

– الماسی‌فر، نینا. انصاری، مجتبی (۱۳۸۹). بررسی امنیت محیطی در پارک‌های منطقه‌ای به‌عنوان بخشی از فضاهای شهری از دیدگاه زنان بر پایه رویکرد CPTED (نمونه موردی: پارک ساعی). *مدیریت شهری*، شماره ۲۵، ۳۴–۲۱.

– محمدی، مریم (۱۳۸۷). عدالت جنسیتی در طراحی شهری با تاکید بر حضور زنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علم و صنعت.

– محمدی، مریم (۱۳۸۸). بررسی تاثیر الگوهای رفتاری بر میزان حضور و فعالیت در فضاهای شهری با تاکید بر حضور زنان. *آبادی*، شماره ۳۸. ۱۱۴–۱۰۵.

– محمدی مکوندی، زینب (۱۳۹۷). بررسی تاثیر کیفیت فضای شهری بر میزان حضور زنان در شهر اهواز نمونه موردی محله کیانپارس. *معماری شناسی*، شماره ۳، ۱۱–۱.

– مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹). *طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی–مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی*. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

– مهندسین مشاور باوند (۱۳۸۳). *الگوی توسعه منطقه ۱۲(طرح تجدید ساختار مرکز تاریخی)*. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران نهاد مشترک مسئول تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی شهر تهران.

– میرزاده، محمدرضا (۱۳۹۴). *تجزیه‌وتحلیل آماری با نرم‌افزار* SPSS. تهران: انتشارات تایماز.

– هال، ادوارد (۱۳۷۹). *بعد پنهان*، ترجمه‌ی منوچهر طبیبیان، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

– وایت، ویلیام (۱۳۹۲). *زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک*. ترجمه‌ی میترا حبیبی و محمدهادی غیائی. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.

– Anand, S. & Nanda, S. (2022). Violence in Public Spaces against Women and Girls: Narratives from India. *South Asian journal of low, policy and social research,* 9-38.

– Badshah, A. (1996*). Our Urban Future, New Paradigms for Equity and Sustainability*. London & New Jersey: Zed Books Ltd.

– Beebeejaun, Y. (2017). Gender, urban space, and the right to everyday life. *Journal of urban affairs,* 323-334.

– Bell, W. (1998). Women and Community Safety, Conference of Safer Communities: Strategic Direction, *Urban Planning convened jointly by Australian Institute of Criminology and Victorian community Council against Violence.* 32, 1-26.

– Carr, S., Francis, M., & Andrew, M. (1992). *Public Space*, Cambridge: Cambridge University Press.

– Chant, Sylvia. (2013). Cities through a gender lens: a golden urban age for women in the global South? *International Institute for Environment and Development (IIED).* 25(1), 9–29.

– Day, K. (2000). The Ethic of Care and Women's Experiences of Public Space, *Journal of Environmental Psychology,* 20, 103-124.

– Frank, k. (2002). *Women and Environment in Bechtel*. A handbook of environmental psychology, New York: John Wiely and sons.

– Ghadban, S., Al-Bishawi, M., & Jørgensen, K. (2015). Women's behaviour in public spaces and the

influence of privacy as a cultural value: The case of Nablus, Palestine. *Urban Studies*, 1-19.

− Gorcia, R., Maria, G., Ortiza, A., & Ports, M. (2004). Urban planning, gender, and the use of public space in peripheral neighboorhood of Barcelona, *cities, 21(3),* 135-149.

− Green, E. & Singleton, C. (2006). Risky bodies at leisure: young women negotiating space and place. *Sociology press, 40(5),* 853–871

− Grundström, K. (2005). Space, Activities and Gender- Everyday Life in Lindora, Costa Rica: Housing Development and management.

− Hidayati, I., Tan, W., & Yamu, C.(2020). How gender differences and perceptions of safety shape urban
mobility in Southeast Asia, *transportation research part F,*1-19

− *Lubuva*, J. & Mtani, A. (2004). Urban Space and Security: A Case of the Dar es Salaam, Safety Audits for Women, *Dar es Salaam*, 13-17*.*

− Macmillan, R., Nierobisz, A., & Welsh, S. (2000). Experiencing the streets: Harassment and perceptions of safety among women. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 37(3), 306–322.

− National London Conference Report (2005), Making Safer Places, Women's safety in our cities. *National Conference Report*, London.

− Paul, T. (2011). Space, Gender, and Fear of Crime: Some Explorations from Kolkata, Gender, *Technology and Development,* 15 (3), 411–435.

− Phadke, Sh. (2012). *Gendered Usage of public Spaces: A Case study of MUMBAI*, New Delhi: Cequin.

− Rosewarne, L. (2005). The Men's Gallery Outdoor Advertising and Public Spaces, Gender, Fear and Feminism, *Women's studio, International Forum.* 28(1):67–78.

| Received: 20 June 2023 | Reviewed: 19 September 2023 | accepted: 1 November 2023 | Available Online: 1 November 2023 |
| Article type: Research Article |

A Comparison of Content Factors affecting the Marginalization of Women in Traditional and Non-traditional Neighborhood Spaces

Arezoo Rafiei[1]

Abstract

Physical and contextual factors influence activities. Considering this fact that women's behavior patterns are different from men and also there is a great difference in their perception of spaces, so women have different needs and expectations in the spaces. Thus, lack of attention to these differences may reduce their presence in urban spaces and violate their citizenship rights. Several factors such as individual, interpersonal and transpersonal characteristics and also the differences in beliefs and social norms have an effect on the presence number of women in spaces. In this regard, the initial hypothesis of this article is the impact of socio-cultural pattern along with psychological characteristics on the behavior and expectations of women in urban spaces. This means that the planning and design that do not aim to delete or reduce the barriers caused with contextual factors and physical factors can lead to a low presence of women and their necessary activity in the neighborhood. Since old and new neighborhoods have different socio-cultural norms, two neighborhoods with the aim of conducting comparative research have been studied. The method was a descriptive-analytical, and the questionnaire technique was used. Thus, 160 resident women who are over 20 years of age have been questioned in both selected neighborhoods due to time and spatial limitations. The results show that social norms, fear of other judgments, beliefs, the presence of men in urban spaces in the old neighborhood (Imamzadeh Yahya Street) were the factors affecting women's presence and the usage of the space; while in the new neighborhood (Dastgerdi Street in Zargandeh neighborhood), these factors are not important. This means that women in the old neighborhood are more marginalized.

Keywords: Neighborhood spaces, Behavior and activity, Women, Socio-Cultural patterns, Tehran.

---

[1] **Master** of Urban Design, Faculty of Architecture & Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran (Email: Arezoo.rafiee25@gmail.com)